مجله برنامه و بودجه، شمارهٔ ۵، ص. ۲۹-۵۱.

بررسی درآمدهای مالیاتی در ایران

(قسمت اول)

نویسنده: محمد کردبچه*

چکیده

مقاله حاضر در پنج بخش ارائه شده است. در بخش اول، به برخی از مفاهیم اساسی مالیاتی که معمولاً نظام مالیاتی کشورها را توسط این معیارها ارزیابی می‌کنند، اشاره کرده‌ام، مفاهیمی از قبیل ظرفیت و کوشش مالیاتی و کشش مالیاتی. در همین بخش، عواملی ساختاری از قبیل اصول طراحی نظامی مالیاتی، و ساختار مالیاتی و مراحل توسعه را بررسی نموده‌ام. در بخش دوم، ضمن مروری بر تاریخچه وصول مالیات در ایران، به ویژگیهای اساسی قوانین مالیاتی (مستقیم و غیرمستقیم) پرداخته‌ام. بخش سوم، اختصاص به بررسی کلی عملکرد درآمدهای مالیاتی در ایران دارد. در این بخش، ویژگیهای کلی درآمدهای مالیاتی در ایران را، با توجه به مفاهیم مذکور در بخش اول، بررسی کرده‌ام. مهمترین این ویژگیها، عبارتند از سهم ناچیز از کل درآمدهای دولت، وابستگی به درآمدهای نفتی، ترکیب نامناسب درونی، عدم بهره‌برداری از ظرفیت مالیاتی و پایین بودن کوشش مالیاتی، سطح پایین کشش مالیاتی و عدم انعطاف کافی درآمدهای مالیاتی در مقابل تغییرات پایه‌های مالیاتی و بالاخره وجود معافیتهای گسترده. در بخش چهارم، عملکرد زیر بخشهای اصلی درآمدهای مالیاتی (مالیات بر درآمد، مالیات بر ثروت، مالیات بر شرکتها، مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف و فروش) را بررسی کرده‌ام و در هر مورد، به اطلاعات و شاخصهای بین‌المللی ذی ربط اشاره نموده‌ام و مقایسه لازم را انجام داده‌ام. در همین بخش، به مشکلات ساختاری، قانونی و اجرایی هر یک از اقلام مالیاتی اشاره نموده‌ام. در بخش پنجم، با توجه به نتایج حاصل از بررسی به عمل آمده، پیشنهادهایی برای رفع مشکلات و نارساییهای موجود نظام مالیاتی کشور ارائه کرده‌ام.

* معاون دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه

بخش اول -کلیات

۱. اصول طراحی نظام مالیاتی

طراحی هر نظام مالیاتی باید براساس سه اصل عدالت، کارایی و توجیه اداری - اجرایی صورت گیرد. اصل عدالت بدین معناست که اخذ مالیات با برداشت جامعه از عدالت منطبق باشد. مفهوم کارایی اقتصادی این است که اخذ مالیات نباید موجب هزینه‌های اضافی اجتناب‌پذیر برای دولت شود و در دستیابی به هدفهای رشد و توزیع عادلانه درآمد خللی وارد سازد. به بیان دیگر، در صورتی موجه است که منجر به افزایش کارایی در دسترسی به این هدفها شود. مراد از توجیه اداری و تشکیلاتی نیز این است که هزینه‌های اجرای نظام، نسبتی منطقی با درآمدهای کسب شده داشته باشد.

اگر چه اصول فوق در شکل کلی خود مورد پذیرش است، ولی اعمال سلیقه‌های مختلف در کاربرد آنها ممکن است نتایج متفاوتی دربرداشته باشد. تأکید زیاد بر عدالت مالیاتی ممکن است اثر نامطلوبی از نظر کارایی اقتصادی یا جنبه‌های اجرایی داشته باشد. همچنین پافشاری زیاد بر دستیابی به هدفهای خاصی از رشد و استقلال اقتصادی ممکن است منجر به غیرعادلانه شدن نظام مالیاتی شود. و بالأخره، تأکید بیش از اندازه بر جنبه‌های اجرایی - تشکیلاتی نظام مالیاتی ممکن است مانع بروز نوآوری باشد که مشوق عدالت و کارایی اقتصادی است. بنابراین، مهمترین مسئله، دستیابی به ترکیب مناسبی از سه اصل یاد شده می‌باشد.

در غالب کشورهای در حال توسعه، نظام مالیاتی بر اصل کسب درآمد بیشتر استوار است. این روش، در اساس، بر استفاده از همه فرصتهای سهل کسب درآمد تأکید دارد، و معمولاً شامل حقوق گمرکی به شکلهای مختلف آن و مالیات بر مصرف و فروش برخی کالاهای خاص و سنتی است.

برنامه‌ریزی مالیاتی باید در دو جهت اساسی حرکت نماید. اولاً باید ساختار موجود را در چارچوب اقتصاد کشور مورد ارزیابی قرار دهد و ظرفیتهای مالیاتی را تعیین و هدفهای درآمدی موردنیاز را مشخص نماید. ثانیاً ملاحظات مربوط به تغییر ساختار اقتصادی، نیازهای درآمدی مربوط به آن و سایر هدفهای مالی را مدّنظر قرار دهد. بدیهی است هر دو جهتگیری فوق در ارتباط با یکدیگرند. زیرا هر تغییری در ساختار نظام مالیاتی، به ویژه در کوتاه مدت، تا حدود زیادی مبتنی بر ساخت فعلی مالیاتی و توان و استعداد نظام اجرایی مزبور است.

اگر نظام مالیاتی موجود مناسب نیست، باید آن را تغییر دهیم. ممکن است عملکرد نظام مالیاتی که در یک برهه از زمان کاملاً رضایتبخش و موفقیت‌آمیز بوده است، مدتی بعد به دلیل تغییر در ساختار اقتصادی، عملکرد کاملاً نامطلوبی داشته باشد. بدین سبب، برنامه‌ریزی مالیاتی باید فرایندی پویا باشد که پیوسته نظام مالیاتی را با توجه به ساختار کل اقتصاد مورد ارزیابی قرار دهد. برای مثال، کشوری که درآمدهای مالیاتی آن اتکای زیادی به مالیات بر واردات دارد، برای اجرای یک برنامه جایگزینی واردات لازم است تغییر عمده در نظام مالیاتی خود ایجاد نماید. یا در کشوری که مالیاتهای غیرمستقیم سهم عمده را در درآمدهای مالیاتی آن دارد با تسریع روند رشد و توسعه ممکن است تغییر جهتی به سمت مالیاتهای بردرآمد ضرورت پیدا کند.

از سوی دیگر، از برنامه‌ریزی مالیاتی ممکن است به عنوان انگیزه‌ای برای تغییر ساختار اقتصادی، سود جویند، که این امر، کشورهای در حال توسعه را با مشکلی اساسی مواجه می‌نماید. تخفیفها و معافیتهای مالیاتی را معمولاً عوامل مشوق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به شمار می‌آورند. اعمال این سیاست، از یک سو، فشارهای زیادی برای افزایش سایر درآمدها برای تأمین هزینه‌های دولتی ایجاد می‌نماید. و از سوی دیگر، انگیزه لازم را برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به منظور دستیابی به هدفهای موردنظر به وجود می‌آورد. به طور کلی، هر قدر اتکای نظام اقتصادی به سرمایه بخش خصوصی بیشتر باشد، فشار زیادتری برای ایجاد انگیزه مالیاتی برای تجهیز سرمایه‌گذاری این بخش وجود خواهد داشت. بنابراین، لازم است در این گونه موارد، در برنامه‌ریزی مالیاتی، برای هدفهای ایجاد انگیزه برای بخش خصوصی و ایجاد درآمد برای دولت وزن مناسبی در نظر گرفته شود و به عنوان عوامل مکمل نظام مالیاتی تلقی شوند.

۲. ساختار مالیاتی و مراحل توسعه

نتایج بررسیهای به عمل آمده در خصوص ساختار مالیاتی و توسعه اقتصادی، اشاره به سه مرحله اساسی دارد. مرحله اول، مرحله‌ای است که در آن مالیاتهای مستقیم سهم بیشتری از مالیاتهای غیرمستقیم در درآمدهای مالیاتی دارد. در مرحله دوم، مالیاتهای غیرمستقیم اهمیت بیشتری می‌یابد، و بالأخره، در مرحله سوم، مالیاتهای مستقیم دوباره به صورت مالیات مسلط درمی‌آید.

در مراحل اولیه توسعه، جوامع سنتی درآمدهای خود را از منابع غیرمالیاتی و مالیاتهای مستقیم متداول، از قبیل مالیات زمین و محصولات کشاورزی و دامی و حقابه کسب می‌نمایند. در

مرحله انتقال از اقتصاد سنتی به اقتصادی نوین، اهمیت این منابع در مقایسه با مالیاتهای غیرمستقیم کاهش می‌یابد. افزایش بازرگانی خارجی، استفاده از حقوق گمرکی را بیشتر می‌نماید و کل مالیات نیز افزایش می‌یابد. اقسام جدیدی از مالیاتهای مستقیم وارد نظام شده که درآمد حاصل از آن به طور نسبی کمتر از مالیات بر واردات و مصرف و فروش است. در مراحل پیشرفته توسعه، اهمیت نسبی مالیات بر بازرگانی خارجی کاهش می‌یابد، و در مقابل، اهمیت مالیاتهای جدید مستقیم افزایش می‌یابد.

براساس این بررسیها، در بالاترین مراحل توسعه است که کشورها بیشترین فرصت را برای هماهنگی نظام مالیاتی با خواستهای سیاسی جامعه دارند. در حالی که در مراحل اولیه، دولتها با محدودیت پایه‌های مالیاتی و توان اجرایی ضعیف نظام مالیاتی مواجه هستند.

در جدول زیر، اطلاعات مربوط به ترکیب درآمدهای مالیاتی بیش از ۱۰۰ کشور در دهه ۱۹۸۰ منعکس شده است. به طوری که می‌بینید، مالیاتهای بردرآمد در کشورهای صنعتی به روشنی از اهمیتی بیشتر برخوردار است. در درجات پایین‌تر توسعه، به تدریج، از اهمیت مالیاتهای مستقیم کاسته می‌شود.

جدول ۱. ترکیب درآمدهای دولت در مراحل مختلف توسعه (درصد)

گروه کشورها	تعداد کشورهای گروه	درآمدهای مالیاتی			عوارض تأمین اجتماعی	درآمدهای غیرمالیاتی
		درآمد	معاملات داخلی	بازرگانی خارجی		
کشورهای صنعتی	۲۰/۰	۳۳/۳	۲۶/۰	۳/۷	۲۵/۰	۱۲/۰
کشورهای نیمه‌صنعتی	۱۵/۰	۲۵/۳	۳۰/۶	۱۴/۵	۱۳/۰	۱۶/۶
کشورهای با درآمد متوسط	۵۵/۰	۲۳/۷	۲۳/۱	۲۸/۹	۴/۱	۲۰/۲
کشورهای کمتر توسعه‌یافته	۱۴/۰	۱۷/۰	۲۱/۷	۴۱/۶	۱/۶	۱۸/۱

مأخذ: Bird; and Oldman.

از سوی دیگر، اهمیت مالیات بر بازرگانی خارجی با درجه توسعه یافتگی کشورها نسبت عکس دارد. درجه اتکا بر مالیاتهای معاملات داخلی در کشورهای نیمه صنعتی در بالاترین سطح قرار دارد. عوارض مربوط به تأمین اجتماعی همان طور که انتظار می‌رود، در کشورهای صنعتی و نیمه صنعتی از اهمیت بیشتری برخوردار است. کشورهای اصلی صادرکننده نفت از جدول فوق حذف شده‌اند. در این کشورها، عموماً بیش از ۶۰ درصد درآمدهای دولت را درآمدهای حاصل از صادرات نفت تشکیل می‌دهد.

۳. ظرفیت مالیاتی و کوشش مالیاتی

حجم مالیات معمولاً از طریق اندازه گیری نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی یا ملی ارزیابی می‌شود، که به نسبت مالیاتی موسوم است. مهمترین عوامل مؤثر بر نسبت مالیاتها، عبارتند از میزان هزینه‌های دولت، امکانات موجود درآمدهای غیرمالیاتی (شامل استقراض)، ظرفیت مالیاتی کشور و محصول ناخالص داخلی.

به طور کلی، به منظور برآورد کوشش مالیاتی در هر کشور، ابتدا باید ظرفیت مالیاتی آن کشور را تعیین نمود. کوشش مالیاتی، نسبت مالیاتهای جمع‌آوری شده به ظرفیت مالیاتی است و مقایسه کشورها براساس کوشش مالیاتی، در حقیقت، زمینه افزایش بیشتر درآمدهای مالیاتی را مشخص می‌نماید. ظرفیت مالیاتی، به سطحی از مالیات گفته می‌شود (به طور مطلق یا به صورت نسبت آن به محصول ناخالص داخلی) که در آن پایه‌های مالیاتی با شدت متوسطی به کار گرفته شده باشد. عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: عوامل مؤثر بر توان افراد به پرداخت مالیات، و عوامل مؤثر بر توان دولت به گردآوری مالیات. توان دولت به گردآوری مالیات، بستگی به عواملی ساختاری، از قبیل سهولت دستیابی به پایه‌های مالیاتی و عواملی ارادی، از قبیل کارایی نظام اجرایی گردآوری مالیات دارد. توان افراد به پرداخت مالیات نیز توسط عواملی ساختاری، از قبیل سطح درآمد، و عواملی ارادی، از قبیل احساس مسئولیت افراد به

پرداخت مالیات تعیین می‌گردد.

براساس تعریف بالا، ظرفیت مالیاتی هر کشور را به طور انتزاعی و مجرد نمی‌توان تعیین نمود و متکی بر شدت و ضعف استفاده از پایه‌های مالیاتی است. بنابراین، قضاوت در خصوص مطلوب‌بودن یا نامطلوب بودن سطح استفاده از ظرفیت مالیاتی هر کشور، ناگزیر باید از طریق الگوهای متکی بر مقایسه‌های بین‌المللی صورت می‌پذیرد. بررسیهای مختلفی که در این زمینه به‌عمل آمده است، نشان می‌دهد که نسبت مالیاتی در کشورهای پیشرفته صنعتی بیش از ۲۰ درصد و در کشورهای در حال توسعه به طور متوسط حدود ۱۵ درصد می‌باشد (Chelliah, 1971; Goode, 1984; IMF, 1993).

۴. کشش مالیاتی

یکی از جنبه‌های مهم ساخت مالیاتی، کشش درآمدی اقلام مختلف آن است. این کشش، تغییرات نسبی درآمدهای مالیاتی نسبت به درآمد ملی با محصول ناخالص داخلی را بیان می‌نماید. اگر این کشش معادل یک باشد، مفهوم آن، این است که هر یک درصد تغییرات در محصول ناخالص داخلی، همراه با یک درصد تغییر در درآمدهای مالیاتی خواهد بود. مفهوم کشش پایین‌تر از یک، این است که تغییر انجام گرفته در درآمدهای مالیاتی کمتر از درصد تغییر در محصول ناخالص داخلی است، و برعکس، به طور کلی، زمانی که کشش یک قلم مالیات نسبت به تغییرات محصول ناخالص داخلی بیش از یک باشد، آن را با کشش، و در غیر این صورت، آن را بدون کشش می‌گویند.

در مرحله رشد اقتصادی، وجود یک نظام با کشش مالیاتی از مزایای زیادی برخوردار است. با توجه به اینکه معمولاً تمایل افزایش هزینه‌های دولت بیش از افزایش در درآمدهاست، وجود یک نظام با کشش مالیات، باعث خواهد شد که درآمدهای موردنیاز با سهولت بیشتری قابل استحصال باشد. چرا که در غیر این صورت، کشور مجبور به تغییر در نرخهای موجود خواهد بود،

که صرف نظر از مشکلات خود این امر، از نظر اجتماعی نیز از مطلوبیتی برخوردار نیست. همچنین وجود چنین ساختی، اجرای نظام مالیاتی را تسهیل می‌نماید و نامشخص بودن آثار اقتصادی تغییرات نرخهای مالیاتی را تخفیف می‌دهد.

در وضعیت تورمی، هماهنگی درآمدهای مالیاتی با روند تغییرات هزینه‌ها اهمیت زیادی دارد. هر تأخیر زمانی در کسب درآمدهای مالیاتی موجب افزایش کسری و استقراض دولت از نظام بانکی و آثار مخرب مترتب بر آن خواهد شد. از سوی دیگر، چنانچه کشش درآمدهای مالیاتی بیش از هزینه‌ها باشد، کسری کاهش یافته و تورم محدود خواهد شد.

کشش کلی نظام مالیاتی میانگین وزنی کششهای اقلام جزئی است. کشش هر قلم مالیاتی نیز قابل تفکیک به دو کشش جزئی است: ۱) کشش آن نسبت به پایه مالیاتی ذی ربط، ۲) کشش پایه مالیاتی مزبور به محصول ناخالص داخلی. بنابراین افزایش کشش کلی نظام از طریق افزایش آن گروه از اقلام مالیاتی و بخشهایی که رشد آنها در حدود یا بیش از رشد تولیدات است یا وضع مالیاتهایی که با توجه به پایه‌های ذی ربط ماهیت تصاعدی دارند، امکانپذیر خواهد بود. بدین تعبیر، وضع مالیات جدید بر مصرف کالاهای تجملی به صورت درصدی از ارزش آنها با توجه به ماهیت پایه آن با کشش می‌باشد. به طور کلی، در کوتاه مدت کشش درآمدی مالیات بردرآمد (به دلیل ماهیت تصاعدی آن) بیش از کشش مالیات بازرگانی خارجی و مالیات بر مصرف و فروش است.

در جدول ۲، شاخصهای مهم مالیاتی ۱۴ کشور در حال توسعه و ۶ کشور پیشرفته صنعتی در کنار کشور ایران مورد مقایسه قرار گرفته است.

جدول ۲. مقایسه بین‌المللی شاخصهای عمده مالیاتی، ۱۹۹۰

نام کشور	نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدها (درصد)	نسبت مالیات مستقیم به کل درآمد مالیاتی (درصد)	نسبت درآمدهای مالیاتی به هزینه‌های جاری (درصد)	نسبت درآمدهای مالیاتی محصول ناخالص داخلی (درصد)
آرژانتین	۴۸/۲	۲۰/۹	۴۶/۲	۶/۰
برزیل	۱۵/۸	۳۸/۹	۲۶/۱	۱۱/۸
مصر	۴۵/۱	۳۳/۷	۵۳/۰	۱۵/۵
هند	۷۸/۴	۱۹/۷	۷۴/۰	۱۱/۲
اندونزی	۹۴/۶	۶۸/۲	۱۷۱/۰	۱۸/۳
کویت	۲/۳	۲۸/۴	۵/۴	۱/۹
کره جنوبی	۸۲/۹	۴۱/۶	۱۰۲/۲	۱۴/۷
مالزی	۷۴/۲	۴۲/۴	۸۰/۵	۲۰/۳
مکزیک	۷۸/۷	۴۶/۴	۷۴/۱	۱۴/۸
مراکش	۸۴/۴	۲۵/۶	۹۰/۵	۱۹/۴
پاکستان	۷۰/۸	۱۴/۲	۶۸/۱	۱۲/۲
سریلانکا	۸۱/۱	۱۹/۵	۸۱/۴	۲۰/۴
تایلند	۹۱/۴	۳۲/۱	۱۵۵/۶	۱۸/۶
ترکیه	۷۹/۵	۵۴/۶	۷۱/۰	۱۵/۴
ونزوئلا	۷۳/۹	۸۳/۶	۱۰۳/۵	۱۷/۷
ایران	۳۱/۹	۵۱/۴	۴۰/۱	۵/۰
استرالیا	۹۰/۰	۷۳/۵	۹۶/۴	۲۴/۳
هلند	۵۵/۶	۶۰/۷	۵۵/۴	۲۸/۰
آلمان	۴۲/۹	۳۷/۴	۴۳/۱	۱۳/۳
سوئد	۵۶/۲	۳۸/۸	۶۱/۹	۲۵/۰
آمریکا	۵۶/۶	۹۰/۲	۴۸/۷	۱۱/۲
انگلستان	۷۴/۴	۶۱/۱	۸۰/۰	۲۷/۷

توضیح: در این جدول، مالیات تأمین اجتماعی، جزو درآمدهای مالیاتی منظور نشده است.

مأخذ: IMF, 1993.

بخش دوم - مروری بر تاریخچه وصول مالیات در ایران

۱. دوران پیش از معاصر

وصول مالیات در ایران سابقه‌ای طولانی دارد. بررسی سیر تحول وصول مالیات در دورانهای گذشته حاکی از ملاحظات عمده زیر است (پیرنیا، ۱۳۴۸؛ شاپوریان، ۱۳۵۰):

● در دوران هخامنشیان، مالیاتهای اخذ شده، بعضی نقدی و پاره‌ای جنسی بودند. مالیاتهای نقدی با فلزات گرانبها پرداخت می‌شد، و مالیات جنسی که آن را خراک می‌نامیدند، عبارت بود از سهمی از محصول ملک.

● در زمان اشکانیان، مالیات برگمرکات ایجاد گردید و پارتها به تقلید از سلوکیها از متاع وارده و صادره در سرحدات گمرک می‌گرفتند.

● در دوران ساسانیان، مالیاتهای، مختلفی گرفته می‌شد که از همه مهمتر خراج زمینها و مالیات سرانه بود. مالیات اراضی یا خراک، به نسبت حاصلخیزی زمین از عشر تا نصف محصول را در برمی‌گرفت. مالیات سرانه که آن راگزیت (جزیه عربی) می‌گفتند، سالانه به مبلغ معینی تعیین می‌شد و بین اشخاص تقسیم می‌گردید.

● در اوایل هجرت حضرت محمد (ص)، منابع درآمد مسلمین مختص به زکات بود. در واقعه بدر غنایم بدان افزوده شد. چندی بعد، پیغمبر اکرم(ص) با عده‌ای از یهود و نصارای مقیم عربستان مصالحه کرده و برای نان جزیه تعیین فرمود. پس از فتح شام و عراق، خراج و ده یک (عشر) زمین و گمرک تجارت بر آن افزوده شد.

● در زمان عباسیان، منابع درآمدی متنوعتر شد و شامل زکات، خمس، خراج، جزیه، پنج یک معادن، مستغلات، عایدات ضرابخانه، ده یک کشتیرانی، گمرک خارجی (حقوق گمرکی)، گمرک داخلی (راهداری)، مالیات ماهیگیری و مالیات صنعتگران گردید.

● در زمان تسلط مغول بر ایران، درآمدهای دولت از دو قسمت تشکیل می‌شده است، درآمدهای عمومی که مصالح پادشاهی نام داشته است. و درآمدهای خاصه که مختص شاه بوده است. به طور کلی، از سه گروه اهل زراعت، اهل تجارت، چهارپاداران و همچنین از صادرات

(درآمدهای اتفاقی) مالیات گرفته می‌شده است.

● در دوران صفویان، انواع مالیات، عبارت بود از مالیات اراضی، آب بها یا مالیات آب، مالیات سرانه، جزیه، مستغلات، اغنام و احشام، گمرک، مالیات براصناف و ارباب صنایع، مالیات معادن، مالیات کلیسا، مالیات تنباکو، مالیات برتیول و اقطاع و مالیات برخالصجات.

● در سالهای اول مشروطیت، اقلام مالیاتی که وصول می‌شد، بدین شرح بود: مالیات اراضی (که هم نقدی و هم به جنس وصول می‌شده است)، مالیات اصناف، مالیات وسایط نقلیه، نواقل، مالیات مستغلات ، مالیات نمک، مالیات تریاک، مالیات الکلیات، رسومات، ما لیات دخانیات، مالیات بایع یا مالیات روده، مالیات پوست بره و گمرک.

۲. دوران معاصر

مالیاتهای مستقیم

همان‌طورکه در بالا اشاره شد، تا قبل از دوران معاصر، در نظام مالیاتی تحول اساسی ایجاد نشده بود. علاوه برمالیات اصلی که از محصولات زراعی به نقد یا به جنس گرفته می‌شد، دهها نوع عوارض و خراجهای کوچک دیگر اخذ می‌گردید. مالیاتها جز در سطوح منطقه‌ای به ثبت نمی‌رسید و این دفاتر منطقه‌ای در دست تحصیلداران خصوصی در سطوح مختلف دیوانی بود. بدین‌ترتیب، حکومت مرکزی هیچ‌گونه اطلاع دقیقی از منابع درآمدی خود نداشت و از سهمیه مالیاتی هریک از مناطق تنها تصویری کلی داشت و این مبلغی بود که از تحصیلداران منطقه‌ای وصول می‌کرد، بدون توجه به اینکه مبلغ دریافتی تحصیلداران چقدر بیشتر از آن است.

نخستین قانون جامع مالیات بردرآمد، تحت عنوان مالیات بر شرکتها و تجارت، در ۱۲ فروردین سال ۱۳۰۹ به تصویب رسید، که در آن برای هرنوع درآمد مبنا و نرخ متفاوتی در نظر گرفته شده بود. نرخ مالیاتی هریک از انواع درآمد، تصاعدی ساده و در مورد حقوق کارکنان دولت و شهرداری از ۰/۵ تا ۴ درصد و در مورد سایر درآمدهای مشمول از ۱ تا ۳ درصد بود. در ضمن، برای هریک از گروههای درآمدی نرخ مالیات درصدی یکسان بود. درآمدهای حاصل از مستغلات و املاک مزروعی مشمول این قانون نبود و قوانین مربوط به این دو نوع درآمد قبلاً به تصویب رسیده و عمل می‌شده است. درآمد مستغلات تابع قانون مالیات مستغلات مصوب ۱۲۹۴

بوده که به موجب آن از مستغلات، اعم از اینکه با اجاره واگذار شده یا مورد استفاده شخصی مالک بوده، مالیات وصول می‌شده است. مالیات املاک مزروعی مشمول قانون مالیات املاک مزروعی و دواب، مصوب دیماه ۱۳۰۴ بود که به موجب آن میزان املاک ارزیابی صدی ۳ از کل محصول بود.

دومین قانون مالیات بردرآمد در آبانماه ۱۳۱۲ به تصویب رسید و از ابتدای سال ۱۳۱۳ اجرا گردید. این قانون از قانون ۱۳۰۹ کاملتر بود. این قانون با تقریب دقیقتر درآمد خالص و کاهش طبقات هریک از انواع درآمد به چهار طبقه نظام مالیاتی را ساده کرد. هریک از انواع درآمد مشمول نرخ تصاعدی ساده خاص خود بود که در هر حال حداکثر آن از ۴ درصد فراتر نمی‌رفت. قانون مزبور در سال ۱۳۱۵ اصلاح شد. حداکثر نرخ به ۲۰ درصد و نرخ تصاعدی ترتیبی به مازاد درآمد معمول گردید. در عین حال، درآمد مشمول مالیات به طور جامعتری تعریف شد ودرآمد بهره ، حق‌العمل دلالی، سود سهام و سود سهم‌الشرکه با مسئولیت محدود و اتفاقی را شامل گردید. متعاقب این قانون در سال ۱۳۱۶ به موجب قانون مالیات بر ارث و نقل و انتقالات بلاعوض، مصوب آبانماه ۱۳۱۶، برای نخستین بار، اخذ این مالیات اجازه داده شد.

سومین قانون مالیات بردرآمد، قانون مصوب ۱۹ آبانماه ۱۳۲۲ است که توسط دکتر میلیسپو تنظیم و به مجلس تقدیم گردید. به موجب این قانون، قوانین مالیات مستغلات و مالیات صدی ۳ (که جانشین مالیات املاک مزروعی شده بود) ملغی شد. و برای نخستین بار در تاریخ ایران، مجموع انواع مختلف درآمد یک شخص پس از کسر حداقل بخشودگی، تابع یک نرخ مالیات قرار داده شد. همچنین حداکثر نرخ مالیاتی نسبت به مجموع درآمدها به ۸۰ درصد افزایش داده شد. قانون مزبور در دوره فترت مجلس به موجب تصویبنامه ۱۸ فروردین ۱۳۲۵ ملغی و مقرر گردید از اول سال ۱۳۲۵ مالیات بردرآمد طبق قانون مالیات بردرآمد سال ۱۳۱۲ و قوانین اصلاحی آن ومالیات مستغلات طبق قانون سال ۱۲۹۴ با افزایش نرخ و مالیات املاک مزروعی نیز طبق قانون سال ۱۳۰۴ با افزایش نرخ وصول شود. و در واقع، قوانین مالیاتی را دوباره به وضع قبل از دکتر میلیسپو اعاده داد.

چهارمین قانون مالیات بردرآمد، قانون مصوب تیرماه ۱۳۲۸ است که تا مرداد سال ۱۳۳۴ اجرا می‌شد. در این قانون، حداکثر نرخ مالیاتی به ۵۰ درصد افزایش یافت، ولی نرخها و معافیت

همان‌گونه‌ای تغییر یافته بود که میزان مالیات اکثر درآمدها را کاهش چشمگیری می‌داد. خرده‌فروشان، کسبه و صنعتگران مشمول مالیات مقطوع گردیدند، و نسبت به اکثر درآمدهای دیگر، نرخهای ثابت مالیاتی مبنا قرار گرفت.

در تاریخ ۱۲ آذر سال ۱۳۳۱، به موجب لایحه قانونی مالیات بر اراضی، برای نخستین بار، مالیاتی به مأخذ ۳ درصد ارزش برزمینهای ۳۲ شهرستان کشور وضع گردید، که این مالیات بعداً لغو شد. سپس در سال ۱۳۳۷، طبق قانون اصلاحی مالیات بردرآمد، مقرر شد از زمینهای مالیاتی به مأخذ یک درصد ارزش آن وصول شود.

در سال ۱۳۳۴، میزان مالیاتها کاهش مجددی یافت و این امر با افزایش میزان حداقل معافیت، پایین آوردن نرخها و برقراری بخشودگیها و معافیتهای متعدد دیگری صورت پذیرفت.

در قانون مالیات بردرآمد مصوب فروردین ماه سال ۱۳۳۵، نظام تصاعدی کنار گذاشته شد و فقط درآمد شرکتها و جمع درآمد افراد (حقوق بگیران) در صورت فراتر رفتن از ۷۰۰۰۰۰ ریال، نسبت به مازاد مشمول نرخهای تصاعدی می‌شد. نرخ ثابت ۱۰ درصد (۷ درصد مالیات و ۳ درصد کمک به فرهنگ و بهداشت) در مورد تمام درآمدها اعمال می‌شد. و میزان حداقل معافیت ۴۸۰۰۰ ریال بود. بدین ترتیب، باز هم مالیاتها کاهش یافت و وصول آن ساده‌تر گردید.

در قانون مالیات برارث مصوب اسفندماه سال ۱۳۳۵، در قانون قبلی اصلاحاتی به عمل آمد. وراث به سه طبقه تقسیم شدند و نرخ مالیات برای طبقه اول، پس از اعمال ۳۰۰۰۰ ریال معافیت، از ۳ درصد تا ۲۵ درصد، برای وراث طبقه دوم، پس از اعمال ۵۰۰۰۰ ریال معافیت، از ۳۰ درصد تا ۵۰ درصد و برای وراث طبقه سوم، از ۴ درصد تا ۷۵ درصد (بدون معافیت) تعیین شده بود. قوانین فوق در بهمن سال ۱۳۳۶، تیر سال ۱۳۳۷، و خرداد سال ۱۳۳۹ مورد اصلاحاتی قرار گرفت تا اینکه در سال ۱۳۴۵ نخستین قانون جامع مالیاتهای مستقیم به تصویب رسید.

در قانون مالیاتهای مستقیم، مصوب اسفند ماه سال ۱۳۴۵، بار دیگر میزان حداقل معافیت مالیات بردرآمد تا ۶۰۰۰۰ ریال افزایش یافت. اما حداکثر درآمد مشمول نرخ ۱۰ درصد به ۳۰۰۰۰۰ ریال کاهش یافت. این قانون، مالیاتی به نرخ ۱۵ درصد بردرآمدهای بیش از ۳۰۰۰۰۰ ریال تا مبلغ ۷۰۰۰۰۰ ریال برقرار کرد و مازاد برآن مشمول نرخهای تصاعدی از ۱۸ تا ۵۵ درصد گردید. مالیاتهای اضافی دیگری نیز بر انواع خاصی از درآمد شرکتها بسته شد، و در مقابل،

معافیتهای متعددی هم برای مؤسسات تازه تأسیس فراهم آمد. به موجب این قانون، علاوه برمبلغی که مودیان بابت هریک از منابع درآمدی خود می‌پرداختند، مکلف به تسلیم اظهارنامه تکمیلی و پرداخت مالیات برمجموع درآمد نیز شده بودند. در مورد مالیات بر ارث نیز علاوه بر مالیات برسهم‌الارث، مالیات بر ماترک نیز اضافه شد و نرخهای مالیاتی با افزایش معافیت از ۳۰۰۰۰۰ به ۴۰۰۰۰۰ ریال در مورد طبقه اول از ۳ درصد تا ۳۵ درصد، طبقه دوم (با اعمال ۵۰۰۰۰ ریال معافیت) از ۳ درصد تا ۵۵ درصد، و در مورد طبقه سوم از ۵ درصد تا ۷۵ درصد تعیین شد. مالیات برزمینها نیز نسبت به ارزش زمین با نرخی تصاعدی تا ۴ درصد افزایش یافت.

قانون فوق در سالهای بعد مورد اصلاحات متعدد قرار گرفت تا اینکه قانون جدید مالیاتهای مستقیم در سوم اسفند سال ۱۳۶۶ به تصویب رسید، که هم اکنون نیز مورد عمل می‌باشد. در این قانون، اقلام جدیدی به قانون قبلی اضافه شده است که مهمترین آنها مالیات سالانه املاک و مالیات مستغلات مسکونی خالی می‌باشد. نرخ مالیات بر ارث، تغییر اساسی یافته است. در مورد طبقه اول معافیتها تا ۲۰ میلیون ریال افزایش یافته، و از سوی دیگر، حداکثر نرخ به ۵۰ درصد افزایش یافته است. همچنین در طبقه دوم حداکثر نرخ تا ۶۰ درصد افزایش یافته و در طبقه سوم به ۷۰ درصد کاهش پیدا نموده است. میزان معافیت مالیات بردرآمد افزایش یافته و نرخها نیز به صورت تصاعدی بین حداقل ۱۲ درصد تا حداکثر ۵۴ درصد تعیین شده است. نرخ مالیات بر زمینهای بایر به جای نسبت به قیمت زمینها براساس مدت زمان نگهداری به صورت بایر از تاریخ تصویب قانون تعیین گردیده است، به نحوی که تا ۲ سال نرخ مزبور به میزان ۲ درصد ارزش به ازای هر سال، تا ۴ سال به میزان ۴ درصد ارزش به ازای هر سال مازاد بر ۲ سال، و بیش از ۴ سال به میزان ۵ درصد ارزش به ازای هرسال مازاد بر ۴ سال اخذ می‌شود. موادی از قانون فوق اخیراً براساس قانون اصلاح موادی از قانون مالیاتهای مستقیم، مصوب هفتم اردیبهشت سال ۱۳۷۱، مورد اصلاح قرار گرفت که مهمترین تغییرات به عمل آمده، عبارت است از افزایش نرخ مالیات بر ارث، افزایش مالیات برنقل و انتقالات، معاف نمودن ۱۰۰ درصد درآمد حاصل از صادرات محصولات تمام شده کالاهای صنعتی و ۵۰ درصد درآمد حاصل از صادرات سایر کالاها، افزایش معافیت مالیاتی سود سهام پرداختی شرکتها، افزایش معافیت مالیات بردرآمد واحدهای تولیدی و معدنی و افزایش معافیت مالیات برحقوق از ۸۴۰۰۰۰ ریال به دو میلیون و یکصدو شصت هزار

ریال می‌باشد.

مالیاتهای غیرمستقیم

مالیات بر بازرگانی خارجی

درگذشته، دریافتهای گمرکی از سه منبع تحصیل می‌شد. تعرفه عادی، تعرفه خاص و سایر حقوق و عوارض گمرکی. تا سال ۱۳۰۷، تنها نوع اول، یعنی تعرفه عادی به کار می‌رفت. نوع دوم در دهه ۱۳۱۰ تحت عناوین عوارض راهداری، حق انحصار شکر، چای، پنیر و سایر کالاها و در اواخر دهه ۱۳۴۰ به عنوان سود بازرگانی برقرار شد. پیش از سال ۱۳۱۵، اغلب تعرفه‌ها براساس درصد معینی از ارزش کالاها بود، ولی از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۲۷، عمدتاً تعرفه‌های خاصی برحسب انواع کالاها به کار گرفته شد. اما از سال ۱۳۲۹ به بعد بار دیگر نظام تعرفه‌های ارزشی، خاصه در مورد کالاهای بادوام مورد عمل می‌باشد.

مالیات بر بازرگانی خارجی در حال حاضر صرفاً شامل مالیات بر واردات می‌گردد که اقلام عمده آن عبارتند از حقوق گمرکی و سود بازرگانی، حق‌الثبت سفارش کالا و عوارض آسفالت اتومبیلهای وارداتی. حقوق گمرکی وجوهی است که میزان آن به موجب جدول تعرفه گمرک مصوب مجلس تعیین و دریافت می‌شود. در نتیجه، هرتغییری در تعرفه‌های آن نیاز به تصویب مجدد مجلس دارد. سود بازرگانی وجهی است که براساس قانون انحصار تجارت خارجی به موجب تصویبنامه هیأت وزیران برقرار می‌شود. به همین دلیل، همه ساله براساس اولویتهای مورد نظر دولت، تغییراتی در تعرفه‌ها صورت گرفته است. حق‌الثبت سفارش کالا و عوارض آسفالت اتومبیلهای وارداتی، قوانین جداگانه‌ای دارند که طی سالهای اخیر بارها مورد اصلاح (در جهت افزایش مالیات) قرار گرفته‌اند.

مالیات بر معاملات (مصرف و فروش)

تا سال ۱۳۰۹ مالیاتهای غیرمستقیم برمصرف و فروش عمدتاً از مالیات برکشتار دام در شهرها (ذبایح) مالیات بر مشروبات الکلی (رسومات) مالیات بر نفت سفید و عوارض نمره گذاری وسایط نقلیه تشکیل می‌شد. بعدها در سال ۱۳۱۴، مالیات بنزین جایگزین عوارض نمره گذاری شد

و مالیاتی به میزان ۳ درصد برمحصولات کشاورزی عرضه شده در بازار وضع گردید که در سال ۱۳۲۱ فسخ شد.

اقلام و نرخهای مالیات برمصرف و فروش در سالهای اخیر دستخوش تحولات زیادی بوده است. اقلام عمده این مالیاتها در حال حاضر، عبارتند از مالیات برفرآورده‌های نفتی (از سال ۱۳۱۲)، مالیات بر نوشابه‌های غیرالکلی (از سال ۱۳۳۹ به موجب تبصره ۳۸ قانون بودجه)، مالیات برفرآورده‌های الکلی (از اسفند سال ۱۳۱۲)، مالیات اتومبیل (از اسفند سال ۱۳۴۵)، عوارض آسفالت اتومبیلهای تولید داخلی (از شهریور سال ۱۳۲۵)، مالیات برفروش سیگار (از سال ۱۳۶۰)، حق اشتراک تلفنهای خودکار (از سال ۱۳۳۸ به موجب تبصره ۲۶ قانون بودجه)، و نقل و انتقالات اتومبیل (از سال ۱۳۶۰).

بخش سوم - بررسی کلی عملکرد درآمدهای مالیاتی در ایران

در این بررسی، برای شفافتر نمودن ترکیب درآمدهای دولت، کوشش شده است تا اقلام درآمدی که ماهیت آنها با طبقه‌بندی فعلی وفق نمی‌دهد در جای مناسب خود طبقه‌بندی گردند. به همین لحاظ، برای مثال، درآمدهای حاصل از فروش ارز در درآمد نفت و گاز و درآمدهای حاصل از پاره‌ای عوارض موجود در سایر درآمدها، مانند عوارض سوخت، در درآمدهای مالیاتی ملحوظ شده‌اند. نتایج بررسی در جدول را در زیر می‌خوانیم (نیز نگاه کنید به جدول ۳).

۱. درآمدهای مالیاتی در سالهای پیش از دهه ۱۳۵۰ روند معتدلی داشت. در دوره ۱۳۵۰-۱۳۵۷، با افزایش درآمد نفت، درآمدهای دولت با رشد متوسط سالانه‌ای در حدود ۴۲ درصد افزایش یافت و با توجه به رشد کندتر درآمدهای مالیاتی طی این مدت (حدود سالانه ۳۲ درصد)، سهم درآمدهای مالیاتی در درآمدهای دولت از ۳۲ درصد در سال ۱۳۵۰ به حدود ۲۱ درصد در سال ۱۳۵۶ رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با کاهش تولید و صادرات نفت، از اهمیت نفت در اقتصاد کشور و درآمدهای عمومی دولت کاسته شد، و در مقابل، سهم درآمدهای مالیاتی افزایش یافت، به طوری که به رغم اینکه درآمدهای دولت در سال ۱۳۶۷ معادل رقم مشابه سال ۱۳۵۶ بود، درآمدهای مالیاتی از رشد متوسطی حدود ۷/۵ درصد برخوردار گشت و

سهم آن در درآمدهای دولت به حدود ۴۸ درصد رسید از سال ۱۳۶۸ با پایان یافتن جنگ تحمیلی و همزمان با شروع برنامه اول توسعه، با افزایش نسبی تولید و صادرات نفت، بار دیگر از سهم درآمدهای مالیاتی در درآمدهای دولت کاسته شد و طی چهار ساله ۱۳۶۸-۱۳۷۱، سهم مزبور، به‌رغم رشد متوسط سالانه بیش از ۴۰ درصد، به دلیل رشد سریعتر درآمدهای غیرمالیاتی از ۴۸ درصد به حدود ۲۸ درصد کاهش یافت. از سال ۱۳۷۲، با تغییر نرخ برابری ارز و شفاف شدن بودجه عمومی دولت، سهم مالیات در درآمدهای عمومی دوباره کاهش یافت و به ۲۴/۱ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید.

۲. بنابراین، همان طور که ملاحظه می‌شود، ترکیب درآمدهای دولت در گذشته به گونه‌ای بوده است که حتی در استثنایی ترین وضعیتها، سهم مالیاتها از ۵۸ درصد مجموع درآمدهای دولت فراتر نرفته است. علاوه بر این، بخش مهمی از درآمدهای مالیاتی نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم وابسته به درآمد نفت بوده است که این امر درآمدهای مالیاتی را در مقابل نوسانهای بازار جهانی نفت به شدت آسیب پذیر کرده است. بیش از ۲۰ درصد درآمدهای مالیاتی را مالیات بر واردات تشکیل می‌دهد که به طور مستقیم وابسته به ارز حاصل از صادرات نفت است. به همین دلیل است که برای مثال، پس از افزایش درآمد نفت در سال ۱۳۵۳، مالیات بر واردات از حدود ۶۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲ به بیش از ۱۶۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت، یا در سالهای اخیر، مالیات مزبور که در اثر کاهش دریافتهای ارزی حاصل از صادرات نفت در سال ۱۳۶۷ به ۱۴۶ میلیارد ریال رسیده بود، در سال ۱۳۷۱ به بیش از ۱۲۴۵ میلیارد ریال رسید. رقم مصوب سال ۱۳۷۵ نیز در این مورد به میزان ۳۶۴۰ میلیارد ریال است که حدود ۳۴ درصد از کل درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده در قانون بودجه سال جاری را تشکیل می‌دهد. حدود ۴۰ درصد از درآمدهای مالیاتی نیز مربوط به مالیات بر شرکتها می‌شود، که به دلیل وابستگی نسبتاً شدید این شرکتها به واردات مواد اولیه و واسطه‌ای، همواره تحت تأثیر نوسانهای درآمدهای نفتی بوده است. بدین ترتیب، در مجموع حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از درآمدهای مالیاتی به طور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به درآمد نفت است که این امر حاکی از ساخت نامناسب و نامطلوب این درآمدها می‌باشد.

۳. نکته دیگر در ترکیب درآمدهای مالیاتی، تقسیم بندی آن به مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم است. این تقسیم بندی از آن جهت اعتبار دارد که یکی از ضوابط عادلانه بودن نظام مالیاتی است.

مالیات غیرمستقیم در واقع بر همه مصرف کنندگان کالا یا استفاده کنندگان از خدماتی تعلق می‌گیرد که دولت بر آنها مالیات وضع کرده است. با توجه به اینکه میل متوسط به مصرف (سهمی از درآمد که به مصرف اختصاص می‌یابد) در گروههای کم درآمد بیشتر از اقشار مرفه جامعه است، گروههای کم درآمد متحمل فشار مالیاتی نسبتاً بیشتری می‌شوند که از دیدگاه عدالت مالیاتی از توجیه کمتری برخوردار است. به طوری که در جدول ۳ می‌بینیم، سهم مالیاتهای غیرمستقیم در کل درآمدهای مالیاتی در کشور، طی دوره‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۷ و ۱۳۵۸-۱۳۶۷، به طور متوسط حدود ۴۸ درصد بوده است که در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵ به ۵۳ درصد افزایش یافته است.

۴. ترکیب درونی مالیاتهای مستقیم نیز طی سالهای گذشته روند مطلوبی نداشته است. برای مثال، براساس اطلاعات موجود، در سال ۱۳۷۴ بیش از ۱۶ درصد از مالیاتهای مستقیم را مالیات حقوق کارمندان تشکیل می‌داده است، در حالی که سهم مالیات پرداخت شده توسط صاحبان مشاغل آزاد در کل مالیاتهای مستقیم کمتر از ۱۵ درصد بوده است.

۵. حجم و میزان کلی درآمدهای مالیاتی در کشور را می‌توان با استفاده از شاخصهایی چون کوشش مالیاتی، و نسبت درآمدهای مالیاتی به هزینه‌های جاری بررسی نمود. نتایج بررسیهای به‌عمل آمده در این زمینه نشان می‌دهد که کوشش مالیاتی درگذشته چه در مورد ظرفیتهای مالیاتی و چه براساس مقایسه‌های جهانی در سطح مطلوبی قرار نداشته است. همان طور که در جدول ۴ می‌بینیم (در این جدول، شاخصهای ارزیابی با اعمال اصلاحات لازم در خصوص انتقال اقلام عوارض منظور شده در بخش سایر درآمدها به درآمدهای مالیاتی برآورد شده‌اند)، نسبت مالیاتی (نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی) درگذشته نوسانهای فراوانی داشته که بالاترین آن به میزان ۹/۲ درصد مربوط به سال ۱۳۵۷ و پایین‌ترین آن با ۴/۶ درصد مربوط به سال ۱۳۶۷ می‌گردد. به طور کلی، نسبت مزبور طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۵۷، به طور متوسط معادل ۸/۱ درصد بوده است که در دوره‌های ۱۳۵۸-۱۳۶۷ و ۱۳۶۸-۱۳۷۵، به ترتیب، به ۶/۱ درصد و ۵/۴ درصد کاهش یافته است. به طوری که در جدول ۲ می‌بینیم، نسبت مزبور در مقایسه با سایر کشورها نیز در سطح پایینی قرار دارد. البته در انجام این مقایسه کوشش شده است تا مبانی مشابهی به کار گرفته شود.

از دیدگاه تأمین منابع مالی، رشد هزینه‌های جاری در صورتی موجه است که عمدتاً از محل

افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، یعنی از بخشی از ارزش افزوده مجموعه فعالیتهای تولیدی اقتصاد تأمین گردد. در این صورت، رشد هزینه‌های جاری به مثابه افزایش عرضه خدمات عمومی تلقی می‌گردد و پرداختهای مالیاتی به منزله سهمی است که مصرف کنندگان برای خدمات عمومی پرداخت می‌نمایند. بررسی روند گذشته رشد هزینه‌های جاری در رابطه با درآمدهای مالیاتی، نمایشگر وابستگی شدید و فزاینده هزینه‌های جاری به درآمدهای غیرمالیاتی است. شکاف فزاینده بین هزینه‌های جاری و درآمدهای مالیاتی که در سال ۱۳۵۰ معادل ۱۱۷/۲ میلیارد ریال بود، در سال ۱۳۵۶ به ۸۰۴ میلیارد ریال، در سال ۱۳۶۷ به ۲۳۹۵ میلیارد ریال و در سال ۱۳۷۴ (عملکرد قطعی) به ۱۸۶۸۶ میلیارد ریال رسیده است، که به تعبیری، کسری واقعی بودجه عمومی دولت را نشان می‌دهد و طی سالهای اخیر عمدتاً از محل درآمد نفت یا ثروت ملی کشور تأمین گردیده است.

۶. نکته دیگری که در مورد حجم درآمدهای مالیاتی قابل توجه است، میزان این درآمدها به قیمتهای ثابت است. درآمدهای مالیاتی به قیمتهای ثابت در ایران از سال ۱۳۵۶ روندی نزولی داشته و در سال ۱۳۶۷ به کمترین میزان خود، یعنی ۴۲۴ میلیارد ریال کاهش یافت. در سالهای اخیر با توجه به اقداماتی که در جهت تحقق هدفهای برنامه اول و دوم توسعه به عمل آمده است درآمدهای مالیاتی به قیمتهای ثابت، روندی صعودی یافته و در سال ۱۳۷۴ به حدود ۶۹۲ میلیارد ریال رسیده است که در این سطح نیز هنوز حدود ۲۸ درصد کمتر از رقم مشابه سال ۱۳۵۶ می‌باشد.

۷. یکی از وجوه مهم ساختار مالیاتی، کشش درآمدی اقلام مختلف آن است. این کشش تغییرات نسبی درآمدهای مالیاتی را نسبت به پایه مالیاتی (مثلاً درآمد ملی) بیان می‌نماید. در مرحله رشد اقتصادی، وجود یک نظام باکشش مالیاتی از مزایای بسیاری برخوردار است. با توجه به اینکه معمولاً تمایل به افزایش هزینه‌های دولت بیشتر از افزایش در درآمدهاست، وجود یک نظام باکشش مالیاتی باعث خواهد شد که درآمدهای مورد نیاز با سهولت بیشتری قابل استحصال باشد. زیرا در غیر این صورت، دولت مجبور به تغییر در نرخهای موجود خواهد بود، که صرف‌نظر از مشکلات خود این امر، از نظر اجتماعی نیز از مطلوبیتی برخوردار نیست. همچنین وجود چنین ساختی اجرای نظام مالیاتی را تسهیل می‌کند و نامشخص بودن آثار اقتصادی تغییرات نرخهای مالیاتی را تخفیف می‌دهد.

کشش درآمدهای مالیاتی نسبت به محصول ناخالص داخلی در ایران، طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۷۲، معادل ۰/۸ برآورد شده است که حاکی از عدم انعطاف کافی آن در مقابل تغییرات محصول ناخالص داخلی است. کشش مزبور برای مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، به ترتیب، ۰/۹ و ۰/۷۵ بوده است که نشاندهنده کشش بیشتر مالیاتهای مستقیم نسبت به تغییرات تولید است. در بین اقلام مختلف درآمدهای مالیاتی، مالیات بر شرکتها با کشش ۱/۳ از بالاترین کشش برخوردار بوده، در حالی که کشش مربوط به مالیات بر واردات تنها حدود ۰/۶۵ بوده است (جدول ۵).

۸. تأخیر در گردآوری مالیات در شرایط تورمی، موضوع دیگری است که در بررسی ساختار مالیاتی کشور باید مورد توجه قرار گیرد. به طور کلی، در کشورهایی که گردآوری مالیات در آنها با وقفه نسبتاً طولانی همراه است، و از سوی دیگر، کشش درآمدهای مالیاتی نسبت قیمتها و درآمد کمتر از یک می‌باشد، افزایش قیمتها موجب کاهش شدید درآمدهای واقعی مالیاتی می‌شود. اگر کشش نظام مالیاتی به قیمتها برابر یک باشد، با هر نرخ تورمی، هر چه زمان تأخیر در گردآوری مالیاتها بیشتر باشد، خالص کاهش درآمدهای واقعی مالیاتی بر اثر تورم بیشتر خواهد بود، و با فرض تأخیر زمانی معین در گردآوری مالیات، هر چه تورم بیشتر باشد، ارزش درآمدهای واقعی مالیاتی کمتر خواهد بود. در ایران، صرف نظر از مالیات حقوق کارمندان دولت که تقریباً بدون وقفه وصول می‌شود، در سایر موارد، اخذ مالیات با وقفه کم و بیش طولانی رو به روست. این پدیده، به ویژه در مورد مالیات مشاغل و مالیات بر شرکتهای دولتی و غیردولتی وجود داشته است.

۹. یکی از نکات مهم در خصوص نرخهای مالیاتی معافیتهایی است که در نظام مالیاتی در نظر گرفته می‌شود. اعطای این معافیتها حتی بدون وجود یک نظام نرخ تصاعدی، خصوصیاتی کم و بیش مشابه نرخ تصاعدی به نظام مالیاتی می‌بخشد. سطح معافیت اعطا شده، تعداد افرادی را که مشمول مالیات می‌شوند مشخص می‌سازد. در قوانین مالیاتی ایران نیز در موارد مختلفی معافیتهای مالیاتی در نظر گرفته شده است. نسبت معافیتهای اعطا شده در مورد مالیات بر درآمد، به درآمد سرانه در کشور، بیش از یک می‌باشد، که در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه، در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد. در کشورهای نسبتاً پیشرفته‌تر آسیا (از جمله کره جنوبی) نسبت مزبور حدود ۰/۳ و در کشورهای پیشرفته صنعتی دنیا حدود ۰/۱ و کمتر می‌باشد. معافیتهای اعطا شده

در قوانین گمرکی بسیار گسترده‌تر و گوناگون است و غالباً شکلی سنتی دارد و براساس برنامه خاصی اعطا نشده‌اند. علاوه بر این، بخش نسبتاً عمده‌ای از محصول ناخالص داخلی (از جمله آب و کشاورزی و انرژی) از معافیت مالیاتی برخوردار می‌باشد. وجود این معافیتها پایه‌های بالقوه مالیاتی در کشور را به شدت تضعیف نموده است. یکی از دلایل عمده پایین بودن نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی در ایران، وجود همین معافیتها می‌باشد. با در نظر گرفتن معافیتهای مزبور، نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی تا حدود ۸/۶ درصد افزایش می‌یابد.

جدول ۳. ترکیب درآمدهای دولت، ۱۳۵۰-۱۳۷۵

(میلیون ریال)

سال	مالیات مستقیم				مالیات غیرمستقیم				کل	در آمدنفت				سهم (درصد)			
	مالیات بردرآمد	مالیات برثروت	مالیات برشرکتها	کل	مالیات بر فروش وفروش	مالیات بر واردات	عوارض سوخت	سایر عوارض	کل	درآمدهای مالیاتی	صادرات نفتخام	تفاوت قیمت فروش ارز	کل	سایر درآمدها	کل درآمدها	مالیات	درآمد نفت	سایر درآمدها
۱۳۵۰	۱۲۹۰۵	۴۰۷۳	۱۵۲۴۰	۳۲۲۱۸	۱۳۶۴۵	۳۶۲۸۸	-	-	۴۹۹۳۳	۸۲۱۵۱	۱۵۵۳۰۰	-	۱۵۵۳۰۰	۲۰۸۰۰	۲۵۸۲۵۱	۳۱/۸	۶۰/۱	۸/۱
۱۳۵۱	۱۵۶۸۶	۵۷۱۵	۲۰۵۰۶	۴۱۹۰۷	۱۵۹۲۰	۴۵۳۸۵	-	-	۶۱۳۰۵	۱۰۳۳۱۲	۱۷۸۲۰۰	-	۱۷۸۲۰۰	۲۱۳۰۰	۳۰۲۷۱۲	۳۴/۱	۵۸/۹	۷/۰
۱۳۵۲	۱۸۵۷۸	۵۵۰۹	۲۸۸۳۷	۵۲۹۲۴	۱۷۵۷۲	۶۰۶۲۰	-	۲۰۰	۷۸۳۹۲	۱۳۱۳۱۶	۳۱۱۳۰۰	-	۳۱۱۳۰۰	۲۲۲۰۰	۴۶۴۸۱۶	۲۸/۳	۶۷/۰	۴/۸
۱۳۵۳	۲۰۳۶۷	۶۸۴۵	۴۴۹۱۷	۷۲۱۲۹	۲۲۰۱۹	۶۳۰۹۶	-	۳۰۰	۸۵۴۱۵	۱۵۷۵۴۴	۱۲۰۵۲۰۰	-	۱۲۰۵۲۰۰	۳۱۶۰۰	۱۳۹۴۳۴۴	۱۱/۳	۸۶/۴	۲/۳
۱۳۵۴	۳۰۲۰۹	۸۳۵۹	۱۱۳۳۰۵	۱۵۱۸۷۳	۲۶۳۳۰	۹۲۶۲۰	-	۳۰۰	۱۱۹۲۵۰	۲۷۱۱۲۳	۱۲۴۶۸۰۰	-	۱۲۴۶۸۰۰	۶۴۱۰۰	۱۵۸۲۰۲۳	۱۷/۱	۷۸/۸	۴/۱
۱۳۵۵	۴۷۸۸۴	۱۰۹۷۹	۱۲۸۹۷۵	۱۸۷۸۳۸	۳۲۴۸۸	۱۲۲۵۸۰	-	۴۰۰	۵۵۴۶۸	۳۴۳۳۰۶	۱۳۲۹۰۰۰	-	۱۳۲۹۰۰۰	۷۱۶۰۰	۱۷۴۳۹۰۶	۱۹/۷	۷۶/۲	۴/۱
۱۳۵۶	۵۷۴۵۰	۱۲۶۳۰	۱۶۰۱۹۲	۲۳۰۲۷۲	۴۴۰۵۱	۱۶۹۲۶۴	-	۶۰۰	۲۱۳۹۱۵	۴۴۴۱۸۷	۱۵۹۰۳۰۰	-	۱۵۹۰۳۰۰	۹۲۲۰۰	۲۱۲۶۶۸۷	۲۰/۹	۷۴/۸	۴/۳
۱۳۵۷	۵۸۳۹۱	۱۱۰۴۵	۲۰۰۰۹۷	۲۶۹۵۳۳	۵۲۶۶۶	۱۴۳۷۵۰	-	۳۰۰	۱۹۶۷۱۶	۴۶۶۲۴۹	۱۰۱۳۳۰۰	-	۱۰۱۳۳۰۰	۲۱۹۹۰۰	۱۶۹۹۳۴۹	۲۷/۴	۵۹/۶	۱۲/۹
۱۳۵۸	۷۳۳۲۷	۱۲۸۰۰	۱۴۲۹۷۷	۲۲۸۱۰۴	۳۹۲۹۷	۱۰۰۹۴۲	-	۴۰۰	۱۴۰۶۳۹	۳۶۸۷۴۳	۱۲۱۹۷۰۰	-	۱۲۱۹۷۰۰	۲۰۳۴۰۰	۱۷۹۱۸۴۳	۳۰/۶	۶۸/۱	۱۱/۴
۱۳۵۹	۶۵۸۶۷	۱۷۳۲۶	۴۵۹۷۵	۱۲۹۱۶۸	۴۹۹۶۴	۱۶۱۲۹۷	-	۸۰۰	۲۱۲۰۶۱	۳۴۱۲۲۹	۸۸۸۸۰۰	-	۸۸۸۸۰۰	۱۱۸۷۰۰	۱۳۴۸۷۲۹	۲۵/۳	۶۵/۹	۸/۸
۱۳۶۰	۷۸۲۴۹	۱۶۰۲۰	۲۲۷۶۰۷	۳۲۱۸۷۶	۶۲۴۸۴	۱۶۹۷۴۲	-	۷۰۰	۲۳۲۹۲۶	۵۵۴۸۰۳	۱۰۵۶۴۰۰	-	۱۰۵۶۴۰۰	۲۱۰۲۰۰	۱۸۲۱۴۰۲	۳۰/۵	۵۸/۰	۱۱/۵
۱۳۶۱	۹۶۸۱۹	۲۴۷۴۸	۱۷۳۸۷۷	۲۹۵۳۴۴	۱۰۰۹۲۵	۲۱۷۵۳۳	-	۷۰۰	۳۱۹۱۵۸	۶۱۴۶۰۲	۱۶۸۹۵۰۰	-	۱۶۸۹۵۰۰	۲۱۳۶۰۰	۲۵۱۷۷۰۲	۲۴/۴	۶۷/۱	۸/۵
۱۳۶۲	۹۰۳۴۷	۳۳۳۴۲	۲۰۸۲۶۲	۳۳۱۹۵۱	۱۱۸۲۵۴	۳۴۶۲۷۴	-	۱۲۰۰	۴۶۵۷۲۸	۷۹۷۶۷۹	۱۷۷۹۴۰۰	-	۱۷۷۹۴۰۰	۲۱۱۴۷۷	۲۷۹۴۲۷۹	۲۸/۵	۶۳/۹	۷/۶
۱۳۶۳	۱۰۵۹۰۷	۴۱۱۳۵	۲۵۷۶۶۲	۴۰۴۷۰۴	۱۴۸۳۰۴	۳۴۵۷۱۷	-	۲۲۳۰۰	۵۱۶۳۲۱	۹۲۱۰۲۵	۱۳۷۳۲۰۰	۳۴۵۴۵	۱۴۰۷۷۴۵	۳۹۷۸۵۵	۲۷۲۶۶۲۵	۳۳/۸	۵۱/۶	۱۴/۶
۱۳۶۴	۱۳۶۲۲۸	۳۵۷۱۸	۳۵۷۶۷۹	۵۲۹۶۲۵	۲۳۰۲۸۱	۲۷۳۷۸۲	-	۹۱۳۰۰	۵۹۵۳۶۳	۱۱۲۳۹۸۸	۱۱۸۸۷۰۰	۸۸۷۲۳	۱۲۷۷۴۳۳	۲۸۸۹۶۷	۲۶۹۱۲۸۸	۴۱/۸	۴۷/۵	۱۰/۷
۱۳۶۵	۱۶۳۵۲۰	۴۲۷۸۶	۳۷۳۵۰۰	۵۷۹۸۰۶	۲۲۰۰۰۹	۲۲۴۷۷۲	-	۱۱۸۰۰	۴۵۶۵۸۱	۱۰۳۶۳۸۷	۴۱۶۸۰۰	۱۷۹۴۲	۴۳۴۷۴۲	۳۱۰۶۵۸	۱۷۸۱۷۸۷	۵۸/۲	۲۴/۴	۱۷/۴
۱۳۶۶	۱۶۶۴۳۲	۷۱۵۳۲	۳۷۴۴۰۹	۶۱۳۳۷۳	۲۱۶۶۶۳	۲۰۱۲۰۳	-	۱۰۲۰۰	۴۲۸۰۶۶	۱۰۴۰۴۳۹	۷۶۶۲۰۰	۸۶۹۶۸	۸۵۳۱۶۸	۳۱۷۲۳۳	۲۲۱۰۸۳۹	۴۷/۱	۳۸/۶	۱۴/۳
۱۳۶۷	۱۷۱۶۷۹	۸۱۸۰۸	۳۹۲۵۵۱	۶۴۶۰۳۸	۱۹۴۷۴۲	۱۴۵۷۵۵	-	۱۲۶۰۰	۳۵۳۰۹۷	۹۹۹۱۳۵	۶۶۷۹۰۰	۱۴۱۴۶۴	۸۰۹۳۶۴	۲۹۰۵۳۶	۲۰۹۹۰۳۵	۴۷/۶	۳۸/۶	۱۳/۸
۱۳۶۸	۲۲۳۳۸۸	۹۶۲۵۲	۳۴۰۰۹۵	۶۵۹۷۳۵	۱۷۸۴۳۰	۳۴۹۷۰۲	-	۶۹۶۰۰	۵۹۷۷۲۲	۱۲۵۷۴۵۷	۷۷۰۸۰۰	۲۲۵۶۷۸۲	۱۵۱۵۱۳۱	۴۰۸۸۶۹	۳۱۸۱۴۵۷	۳۹/۵	۴۷/۶	۱۲/۹
۱۳۶۹	۳۰۹۱۸۷	۱۱۸۸۱۰	۴۹۵۵۶۰	۹۲۳۵۵۷	۲۶۹۰۳۹	۵۰۲۳۶۴	-	۱۰۱۹۰۰	۸۷۳۳۱۳	۱۷۹۶۸۷۰	۱۱۱۸۳۰۰	۲۲۵۶۷۸۲	۳۳۷۵۰۸۲	۴۶۶۵۱۸	۵۶۳۸۴۷۰	۳۱/۹	۵۹/۹	۸/۳
۱۳۷۰	۴۸۲۷۷۵	۱۳۸۶۲۶	۷۷۴۶۲۶	۱۳۹۶۰۲۷	۴۱۷۲۹۰	۹۵۱۹۳۵	-	۱۰۴۶۰۰	۱۴۷۳۸۲۵	۲۸۶۹۸۵۲	۱۰۳۸۷۰۰	۲۵۱۰۶۹۰	۳۵۴۹۳۹۰	۵۸۴۴۱۰	۷۰۰۳۴۶۵۲	۴۱/۰	۵۰/۷	۸/۳
۱۳۷۱	۵۴۶۶۹۸	۱۴۷۲۹۳	۱۲۹۷۲۹۱	۱۹۹۱۲۸۲	۵۳۸۸۷۳	۱۲۴۵۳۵۴	-	۱۶۵۰۰۰	۱۹۴۹۲۲۷	۳۹۴۰۵۰۹	۵۱۴۱۳۰۰	۴۰۷۲۸۶۷	۹۲۱۴۱۶۷	۸۷۹۹۰۰	۱۴۰۳۴۵۷۶	۲۸/۱	۶۵/۷	۶/۳
۱۳۷۲	۷۶۵۹۶۴	۲۴۸۶۶۵	۱۶۰۱۰۵۷	۲۶۱۵۶۸۶	۳۲۲۲۲۷	۱۱۲۳۴۲۸	-	۶۳۲۵۰۰	۲۰۷۸۱۵۵	۴۶۹۳۸۴۱	۱۴۶۸۳۳۰۰	-	۱۴۶۸۳۳۰۰	۹۸۱۷۰۰	۲۰۳۵۸۸۴۱	۲۳/۱	۷۲/۱	۴/۸
۱۳۷۳	۱۱۲۴۹۳۴	۳۳۳۸۰۳	۲۳۹۸۲۵۱	۳۵۸۶۹۸۸	۳۵۲۴۱۴	۱۲۸۴۲۵۴	۴۶۳۴۰۰	۶۸۴۷۰۰	۲۷۸۴۷۶۸	۶۶۴۱۷۵۶	۲۱۲۳۹۷۰۰	۲۴۰۰۰۰	۲۱۴۷۹۷۰۰	۲۱۱۰۳۵۸	۲۹۳۳۱۸۱۴	۲۲/۶	۷۳/۲	۴/۱
۱۳۷۴	۱۸۶۹۲۰۰	۴۸۳۴۰۰	۳۳۹۶۲۰۰	۵۶۴۸۸۰۰	۴۱۴۳۰۰	۱۴۴۹۹۰۰	۱۹۳۹۴۰۰	۸۵۰۴۰۰	۴۴۵۴۰۰۰	۱۰۱۰۲۸۰۰	۲۶۶۶۶۲۰۰	۲۷۶۵۰۰۰	۲۹۴۳۱۲۰۰	۲۳۱۶۵۰۰	۴۱۸۵۰۵۰۰	۲۴/۱	۷۰/۳	۵/۵
۱۳۷۵	۱۶۵۰۰۰۰	۵۲۰۰۰۰	۴۲۹۷۸۵۸	۶۴۶۷۸۵۸	۶۳۶۰۰۰	۳۶۴۰۰۰۰	۴۱۱۰۵۰۰	۳۶۶۲۷۰۰	۱۲۰۴۹۲۰۰	۱۸۵۱۷۰۵۸	۲۷۹۸۲۱۵۰	۵۰۰۰۰۰۰	۳۲۹۸۲۱۵۰	۴۱۲۱۹۷۰	۵۵۶۲۱۱۷۸	۳۳/۳	۵۹/۳	۷/۴
متوسط دوره ۵۰-۵۷																۲۰/۹	۷۳/۴	۵/۷
متوسط دوره ۵۸-۶۷																۳۵/۸	۵۲/۴	۱۱/۸
متوسط دوره ۶۸-۷۵																۲۸/۱	۶۵/۷	۶/۲
متوسط کل دوره																۲۸/۶	۶۴/۶	۶/۸

مآخذ: قوانین بودجه کل کشور، سالهای ۱۳۵۰-۱۳۷۴؛ لایحه بودجه سال ۱۳۷۵.

۱۳۷۵/۳/۱۶

جدول ۴. عملکرد درآمدهای مالیاتی، ۱۳۵۰-۱۳۷۵

(میلیون ریال)

سال	درآمدهای مالیاتی	مالیات مستقیم	مالیات غیرمستقیم	تولید ناخالص داخلی	هزینه‌های جاری	شاخص قیمت ۱۳۶۱=۱۰۰	مالیات به‌تولید (%)	مالیات به‌هزینه جاری (%)	مستقیم به‌تولید (%)	غیرمستقیم به‌تولید (%)	مالیات واقعی
۱۳۵۰	۸۲۱۵۱	۳۲۲۱۸	۴۹۹۳۳	۹۰۲۷۰۰	۱۹۹۴۰۰	۱۹/۰	۹/۱	۴۱/۲	۳/۶	۵/۵	۴۳۲۳۷۴
۱۳۵۱	۱۰۳۲۱۲	۴۱۹۰۷	۶۱۳۰۵	۱۱۲۰۳۰۰	۲۶۹۷۰۰	۲۰/۱	۹/۱	۳۸/۳	۳/۷	۵/۴	۵۱۳۴۹۳
۱۳۵۲	۱۳۱۳۱۶	۵۲۹۲۴	۷۸۳۹۲	۱۶۷۸۸۰۰	۳۷۰۲۰۰	۲۲/۶	۷/۸	۳۵/۵	۳/۲	۴/۷	۵۸۱۰۴۴
۱۳۵۳	۱۵۷۵۴۴	۷۲۱۲۹	۸۵۴۱۵	۲۹۸۶۵۰۰	۸۲۵۷۰۰	۳۲/۰	۵/۳	۱۹/۱	۲/۴	۲/۹	۴۹۲۳۲۵
۱۳۵۴	۲۷۱۱۲۳	۱۵۱۸۷۳	۱۱۹۲۵۰	۳۳۰۲۵۰۰	۹۶۹۴۰۰	۳۵/۸	۸/۲	۲۸/۰	۴/۶	۳/۶	۷۵۷۳۲۷
۱۳۵۵	۳۴۳۳۰۶	۱۸۷۸۳۸	۱۵۵۴۶۸	۴۴۴۰۸۰۰	۱۰۸۳۸۰۰	۳۹/۵	۷/۷	۳۱/۷	۴/۲	۳/۵	۸۶۹۱۲۹
۱۳۵۶	۴۴۴۱۸۷	۲۳۰۲۷۲	۲۱۳۹۱۵	۵۱۷۷۰۰۰	۱۲۴۸۱۰۰	۴۶/۳	۸/۶	۳۵/۶	۴/۴	۴/۱	۹۵۹۳۶۷
۱۳۵۷	۴۶۶۲۴۹	۲۶۹۵۳۳	۱۹۶۷۱۶	۵۰۹۵۵۰۰	۱۳۸۷۱۰۰	۵۰/۶	۹/۲	۳۳/۶	۵/۳	۳/۹	۹۲۱۴۴۱
۱۳۵۸	۳۶۸۷۴۳	۲۲۸۱۰۴	۱۴۰۶۳۹	۶۱۵۸۲۰۰	۱۴۹۴۹۰۰	۵۸/۴	۶/۰	۲۴/۷	۳/۷	۲/۳	۶۳۱۴۰۹
۱۳۵۹	۳۴۱۲۲۹	۱۲۹۱۶۸	۲۱۲۰۶۱	۶۴۷۱۱۰۰	۱۶۸۱۲۰۰	۶۹/۴	۵/۳	۲۰/۳	۲/۰	۳/۳	۴۹۱۶۸۴
۱۳۶۰	۵۵۴۸۰۲	۳۲۱۸۷۶	۲۳۲۹۲۶	۷۸۸۴۳۰۰	۲۰۳۲۴۰۰	۸۵/۹	۷/۰	۲۷/۳	۴/۱	۳/۰	۶۴۵۸۷۰
۱۳۶۱	۶۱۴۶۰۲	۲۹۵۴۴۴	۳۱۹۱۵۸	۱۰۳۳۵۴۰۰	۲۲۵۱۵۰۰	۱۰۰/۰	۵/۹	۲۷/۳	۲/۹	۳/۱	۶۱۴۶۰۲
۱۳۶۲	۷۹۷۶۷۹	۳۳۱۹۵۱	۴۶۵۷۲۸	۱۲۹۳۰۰۰۰	۲۵۲۳۱۰۰	۱۱۲/۱	۶/۲	۳۱/۶	۲/۶	۳/۶	۷۱۱۵۷۸
۱۳۶۳	۹۲۱۰۲۵	۴۰۴۷۰۴	۵۱۶۳۲۱	۱۴۲۴۲۴۰۰	۲۴۷۵۶۰۰	۱۲۲/۹	۶/۵	۳۷/۲	۲/۸	۳/۶	۷۴۹۴۱۰
۱۳۶۴	۱۱۲۴۹۸۸	۵۲۹۶۲۵	۵۹۵۳۶۳	۱۵۱۶۷۸۰۰	۲۵۷۱۹۰۰	۱۳۰/۷	۷/۴	۴۳/۷	۳/۵	۳/۹	۸۶۰۷۴۱
۱۳۶۵	۱۰۳۶۳۸۷	۵۷۹۸۰۶	۴۵۶۵۸۱	۱۵۶۱۴۰۰۰	۲۴۱۰۳۰۰	۱۵۸/۳	۶/۶	۴۳/۰	۳/۷	۲/۹	۶۵۴۶۹۸
۱۳۶۶	۱۰۴۰۴۳۹	۶۱۲۳۷۳	۴۲۸۰۶۶	۱۹۲۸۴۰۰۰	۲۹۱۱۴۰۰	۱۹۲/۴	۵/۴	۳۵/۷	۳/۲	۲/۲	۵۴۰۷۶۹
۱۳۶۷	۹۹۹۱۳۵	۶۴۶۰۳۸	۳۵۳۰۹۷	۲۱۷۵۳۶۰۰	۳۳۹۴۲۰۰	۲۳۵/۶	۴/۶	۲۹/۴	۳/۰	۱/۶	۴۲۴۰۸۱
۱۳۶۸	۱۲۵۷۴۵۷	۶۵۹۷۳۵	۵۹۷۷۲۲	۲۷۰۲۸۸۰۰	۳۳۸۵۲۰۰	۲۸۴/۱	۴/۷	۳۷/۱	۲/۴	۲/۲	۴۴۲۶۱۱
۱۳۶۹	۱۷۹۶۸۷۰	۹۲۳۵۵۷	۸۷۳۳۱۳	۳۵۷۵۵۰۰۰	۴۴۷۵۵۰۰	۳۳۵/۳	۵/۰	۴۰/۱	۲/۶	۲/۴	۵۳۵۸۹۹
۱۳۷۰	۲۸۶۹۸۵۲	۱۳۹۶۰۲۷	۱۴۷۳۸۲۵	۴۸۶۷۲۶۰۰	۵۵۸۴۰۰۰	۴۰۲/۶	۵/۹	۵۱/۴	۲/۹	۳/۰	۷۱۲۸۳۰
۱۳۷۱	۳۹۴۰۵۰۹	۱۹۹۱۲۸۲	۱۹۴۹۲۲۷	۶۴۴۰۰۸۰۰	۷۷۸۳۶۰۰	۵۱۳/۸	۶/۱	۵۰/۶	۳/۱	۳/۰	۷۶۶۹۳۴
۱۳۷۲	۴۶۹۳۸۴۱	۲۶۱۵۶۸۶	۳۰۷۸۱۵۵	۹۳۵۱۸۰۰۰	۱۳۷۸۳۵۰۰	۷۱۵/۵	۵/۰	۳۴/۱	۲/۸	۲/۲	۶۵۶۰۵۸
۱۳۷۳	۶۶۴۱۷۵۶	۳۸۷۶۹۸۸	۲۷۸۴۷۶۸	۱۲۹۳۵۰۰۰۰	۲۰۰۱۰۱۰۰	۹۷۲/۷	۵/۱	۳۳/۲	۳/۰	۲/۲	۶۸۲۸۱۵
۱۳۷۴	۱۰۱۰۲۸۰۰	۵۶۴۸۸۰۰	۴۴۵۴۰۰۰	۱۸۶۱۲۵۰۰۰	۲۸۷۸۹۳۰۰	۱۴۵۹/۱	۵/۴	۳۵/۱	۳/۰	۲/۴	۶۹۲۴۲۲
۱۳۷۵	۱۸۵۱۷۰۵۸	۶۴۶۷۸۵۸	۱۲۰۴۹۲۰۰	۲۲۲۶۵۶۲۵۰	۳۳۲۹۶۸۳۶	۱۹۹۸/۹	۸/۰	۵۵/۶	۲/۸	۵/۲	۹۲۶۳۶۱
متوسط دوره ۵۰-۵۷							۸/۱	۳۲/۹	۳/۹	۴/۲	۶۹۰۸۱۲
متوسط دوره ۵۸-۶۷							۶/۱	۳۲/۰	۳/۱	۳/۰	۶۳۲۴۸۴
متوسط دوره ۶۸-۷۵							۵/۷	۴۲/۲	۲/۸	۲/۸	۶۷۶۹۹۱
متوسط کل دوره							۶/۶	۳۵/۴	۳/۳	۳/۳	۶۶۴۱۲۶

مآخذ: قوانین بودجه کل کشور، سالهای ۱۳۵۰-۱۳۷۴؛ لایحه بودجه سال ۱۳۷۵.

۱۳۷۵/۳/۱۶

جدول ۵. کشش درآمدهای مالیاتی نسبت به محصول ناخالص داخلی

عنوان مالیات	کشش
کل درآمدهای مالیاتی	۰/۸۴
مالیاتهای مستقیم	۰/۹۲
مالیات بر شرکتها	۱/۲۹
مالیات بر درآمد	۰/۹۷
مالیات بر ثروت	۰/۹۳
مالیاتهای غیرمستقیم	۰/۷۵
مالیات بر واردات	۰/۶۵
مالیات بر مصرف و فروش	۰/۹۳